

# سند سیاسی مصوب نخستین کنگره حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

چهارشنبه، 24 ژوئیه 2019 - 23:30

## توضیح



سند سیاسی، مصوب  
نخستین کنگره حزب چپ  
ایران (فدائیان خلق) است.  
این سند قبل از کنگره توسط  
کمیسیون منتخب هیئت

سیاسی - اجرایی تدوین شد و در اختیار اعضای حزب قرار گرفت. کمیسیون پیشنهادهای ارائه شده توسط اعضای حزب را مورد رسیدگی قرار داد و موارد پذیرفته شده را وارد متن کرد. بدنبال آن سند سیاسی انتشار بیرونی یافت و از دوستداران حزب و صاحب نظران خواسته شد که نظر و پیشنهادهای خود را در مورد این سند ارائه دهند. تعدادی از دوستداران حزب پیشنهادهایی در مورد سند سیاسی ارائه دادند و یا به نقد آن پرداختند.

در کنگره سند سیاسی به عنوان سند مبنا پذیرفته شد و کمیسیون منتخب کنگره پیشنهادهای دریافتی از اعضای کنگره و نیز نظرات و پیشنهادهای ارائه شده توسط دوستداران حزب را مورد رسیدگی قرار داد. پیشنهادهای پذیرفته شده وارد متن گردید و سند سیاسی به رای کنگره گذاشته شد که به تصویب رسید.

## سند سیاسی مصوب نخستین کنگره

### حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

برای گذار از جمهوری اسلامی به جمهوری سکولار و دمکرات،  
برگزاری انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس موسسان و تدوین  
قانون اساسی جدید!

نگاه ما به صحنه سیاسی کشور:

## حکیده :

کشور ما امروز با بحران های فزاینده و درهم تنیده، انبوه شکاف های اجتماعی و چالش های بزرگ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی مواجه است. رژیم جمهوری اسلامی که خود عامل اصلی در پدید آمدن این بحران هاست، قادر به مهار و حل آن ها نیست. بر بستر این بحران ها، اعتراضات مردم ابعاد وسیع تری یافته اند؛ اعتصابات و مخالفت های کارگران، معلمان، دانشجویان، بازنشستگان، کشاورزان، جمع بزرگی از بازاریان و دیگر گروه های اجتماعی گسترده تر شده و کیفیت نوینی را پدید آورده اند. جنبه ی سیاسی آن ها تقویت، همبستگی در بین گروه های مختلف اجتماعی افزون تر و همسوئی های سیاسی در مقابله با تحکیمات حکومت در سطح ملی آشکارتر شده است. جمهوری اسلامی انزوای فزاینده و بی آیندگی خود را عیان تر ساخته و اوضاع در جهت افزایش میزان مخالفت با جمهوری اسلامی و گذار ناگزیر از آن پیش می رود و تحركات در صفوف اپوزیسیون شتاب بیشتری به خود می گیرد.

### ۱. اوضاع سیاسی:

جمهوری اسلامی در بن بست قرار دارد و با بحران مشروعیت، بحران کارآمدی و چالش در درون خویش روبرو است. اگرچه پایه های اقتدار سیاسی آن فروریخته است، اما هنوز هم متکی بر دستگاه عریض و طویل سرکوب دولتی، دستگاه های گوناگون امنیتی، پایگاه اجتماعی محدود ولی برخوردار از سازمانیافتگی، نیز لایه ای از سرمایه داران عمدتاً رانت خوار، دلال و باندهای فاسد درون حلقه ی قدرت، به سلطه ی خود ادامه می دهد.

ساختار سیاسی جمهوری اسلامی بر تمرکز اختیارات در دست ولی فقیه، نهادها و ارگان های زیر نظر او و بیشتر از همه سپاه پاسداران استوار است و با گذشت هر روز، بیش از پیش در همین رکن اصلی متمرکزتر می شود. تصمیمات کلان حکومتی، عمدتاً در "بیت رهبری" و مجموعه های حول و حوش آن رقم می خورند و با دستورات پیدا و پنهان "رهبر" قابلیت اجرائی می یابند. مجلس و دولت با تهی شدن از حداقل کارکردهای خود و تمکین به تنزل جایگاه خود، به تابع زیر مجموعه های ولایت فقیه تقلیل یافته اند. "شورای نگهبان" و "مجمع تشخیص مصلحت" مدام و آشکارا به سطح قانون و سیاست گذاری بر کشیده شده اند. ولی فقیه و نهادهای تحت امر او از سپاه پاسداران تا نیروهای راست افراطی که به اعتقاد یا به مصلحت پیرامون او گرد آمده اند، هرگونه تغییر و رفرم را، در جهت تضعیف موقعیت خود می دانند، با استفاده از تمامی امکانات مانع از آن می شوند و بر حفظ وضع موجود اصرار می ورزند. به موازات این روند اما، جامعه در سمت عکس آن در حرکت است. شواهد متعددی را می توان رصد کرد که صدای اعتراض علیه نماد اصلی این نظام یعنی شخص ولی فقیه هر روز بیشتر اوج می گیرد.

اصلاحات در جمهوری اسلامی به بن بست خورده، اصلاح طلبان، بیش از پیش فاقد راهکار برای برون رفت کشور از وضعیت بحرانی هستند و روند تجزیه در صفوف خود را طی می کنند. اساساً اصلاحات با هدف توسعه ی سیاسی در جمهوری اسلامی که نهاد ولایت فقیه بر همه ی ارکان آن مسلط است، ناممکن و بدون چشم انداز است. ارتقاء سطح اعتراضات مردمی و به چالش کشیده شدن کل نظام، شکاف در درون اصلاح طلبان را نیز تسریع نموده است. اصلاح طلبانی که برنامه و دغدغه اشان ایجاد فضای باز سیاسی و گسترش آزادی های سیاسی و اجتماعی است، ناگزیر از انتخاب های سیاسی جدید هستند.

مردم کشور ما به تجربه دریافته اند که هر گامی در جهت کاستن از دشواری ها و هر کوششی در راه گشایش برای توسعه ی سیاسی و اقتصادی کشور با مقابله ی قهری ارکان اصلی قدرت جمهوری اسلامی مواجه است و کوشش برای اصلاح این نظام، عملاً بیهوده و سترون است و به اصلاح آن نخواهد انجامید. تجربه ی چهل سال جمهوری اسلامی به مردم ایران نشان داده است که خصلت فقاقتی و

ایدئولوژیک این نظام بر وجه جمهوریت آن تسلط کامل دارد و اجازه‌ی هیچ اصلاح جدی را نمی‌دهد، حکومتی است واپس‌گرا، در تقابل با اراده و خواست مردم و عامل رانده شدن کشور به ورطه‌ی سقوط.

نیاز مبرم جامعه‌ی ما استقرار جمهوری سکولار و دمکرات، حکومتی متکی بر اراده‌ی آزاد مردم در کشور و گذار از جمهوری اسلامی است.

## ۲. اوضاع اقتصادی:

کشور ما با چالش‌های کلانی در حوزه‌ی اقتصادی مواجه است: تاووم بن‌بست ساختاری، تورم مزمن، برنامه‌های اقتصادی نامتعارف، ناموزون و گرایش نئولیبرالی دولت‌ها، سلطه‌ی ارگان‌های امنیتی و نظامی و بنیادهای عریض و طویل بر بخش مهمی از تولید، توزیع و خدمات، حجم عظیم بوروکراسی دولتی و کسری مداوم بودجه‌ی آن، ورشکستگی بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی، ناتوانی در تامین نیازهای رشد اقتصادی، تعطیلی و کاهش ظرفیت واحدهای تولیدی و افزون بر همه، تحریم‌های فلج‌کننده، اقتصاد کشور را زمین‌گیر کرده است. سیاست‌های جمهوری اسلامی عامل اصلی وضعیت اقتصادی وخیم کشور است.

بحران اقتصادی به فقر گسترده به‌ویژه در میان زحمتکشان و تهی‌دستان جامعه و افت سطح زندگی طبقه‌ی متوسط و ریزش آن‌ها به گروه‌های فقیرتر مردم منجر گشته است. این امر، زمینه‌ی عینی اتحادی فراگیر در بطن جامعه علیه فلاکت عمومی اقتصادی را فراهم‌تر کرده است.

جمهوری اسلامی از شیوه‌های خشن و عقب مانده برای استثمار کارگران و مزد بگیران بهره می‌گیرد و از بی‌حقوقی نیروی کار و زحمت دفاع می‌کند. رشد اقتصادی کشور را قربانی اهداف ایدئولوژیک و ماجراجویی‌های برونمرزی می‌نماید. طی چهار دهه‌ی گذشته لایه‌ی نازکی از سرمایه‌داران را به ثروت‌های افسانه‌ای رسانده، از یک سو، بر بستر سرمایه‌داری مافیائی، رانت خواری، حامی‌پروری با استفاده از درآمد نفت و فساد ساختاری، لایه‌های انگلی و چپاولگری را پدید آورده است که با سرسختی از این نظام دفاع می‌کنند؛ از سوی دیگر، اکثریت جامعه را به سوی فقر گسترده سوق داده و با افزایش بی‌سابقه‌ی فاصله‌ی فقر و ثروت، شکاف طبقاتی عمیقی را در کشور پدید آورده است.

جمهوری اسلامی قادر به مهار بحران اقتصادی نیست. نه تنها نمی‌تواند برنامه‌ای برای برون‌رفت کشور از بحران عمیق اقتصادی عرضه کند، بلکه خود مانع هر گونه گشایش در اقتصاد کشور است. هیولای بحران اقتصادی جمهوری اسلامی نه فقط میلیون‌ها نفر را زیر خط فقر رانده و به روز سیاه نشانده، بلکه کابوسی برای خود نظام نیز شده است. همین اقتصاد چشم‌اسفندیار جمهوری اسلامی است و می‌تواند به عنوان عاملی مهم در فروپاشی آن عمل کند.

## ۳. تخریب محیط زیست

کشور ما امروز با بحران محیط زیستی مواجه است. مشکلات در این زمینه عمدتاً ناشی از سوء مدیریت حکومت است سیاست‌های جمهوری اسلامی به خاطر بی‌توجهی به تبعات تغییرات اقلیمی و اهیت حفظ منابع طبیعی، در انهدام جنگل‌ها، تخریب منابع طبیعی، بحران منابع آب کشور، سدسازی‌های بی‌رویه، اتلاف منابع آب کشور، هدر دادن ذخیره‌های زیرزمینی مستقیماً موثر بوده و وضعیت شکننده‌ای را پدید آورده‌اند. تخریب روستاها، خشکیدن تالاب‌ها رودخانه‌های متعدد و بخش‌هایی از دریاچه‌ها، بحران ریزگردها و هوای آلوده شهرها از جمله عواقب همین بی‌توجهی‌ها به الزامات حفظ محیط زیست در کشور است. سیل بهار امسال در اقصی نقاط کشور بخشی از تبعات این سیاست‌ها را به‌نمایش گذاشت.

## ۴. جنبش‌های اعتراضی و مدنی و سمت گیری آن‌ها :

جنبش اعتراضی و مدنی مردم از خیزش ده‌ماه ۹۶ تاکنون، در سطح کشور جنبه‌ی فراگیرتر یافته و ابعادی وسیع‌تر پیدا کرده است. ناراضی‌هایی از نظام و سیاست‌ها و برنامه‌های آن این بار به اعماق

جامعه کشیده شده و گرانگاه مبارزه علیه جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن را در لایه‌های پایینی جامعه کانونی کرده‌است. در خیزش‌های اعتراضی مردم، مطالبات اقتصادی با خواست‌های سیاسی و آزادی با عدالت‌خواهی هر چه بیشتر به هم گره می‌خورند.

کارگران و معلمان علی‌رغم بازداشت، شکنجه و زندانی شدن فعالان خود و مواجهه با انواع تهدیدهای حکومت، دست از اعتراض و اعتصاب برنمی‌دارند. عدم تناسب درآمد با هزینه‌های سرسام‌آور زندگی ناشی از گرانی فزاینده، تعویق چندین ماهه‌ی پرداخت دستمزد ها، انواع فشارهای معیشتی دیگر، رواج بی قانونی در محیط‌های کار، زورگویی‌های صاحبان سرمایه و کارفرمایان پس‌زمینه و مایه‌ی اصلی این اعتراضات هستند. کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه، با اعتصابات و اعتراضات خود جسورانه سیاست‌های حکومت را به چالش می‌کشند.

اگر در خیزش دی ماه ۹۶، مردم تلاش کردند خیابان‌ها را از سیطره‌ی حکومت به‌در آوردند، روند رو به گسترش اعتراضات کارگران و زحمتکشان طی دو سال اخیر توانسته است بسیاری از محیط‌های کار را به صحنه‌ی چالش با سیاست‌های حکومت تبدیل کند و هم‌زمان افکار عمومی را در پشتیبانی از خواست‌های خود به واکنش همدلانه بسیج نماید.

جمهوری اسلامی امروز علاوه بر اعتصابات کارگران، معلمان، بازنشستگان، با اقسام اعتراضات دیگر گروه‌های اجتماعی علیه تبعیضات حکومتی مواجه است. مبارزه‌ی مدنی برای آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در اشکال متکثر و طیفی از مقاومت‌های مدنی در سراسر کشور جریان دارد. برآمدهای مبارزاتی در زمینه‌ی ستیز با تجلیات تبعیضات گوناگون از جمله تبعیض‌های جنسیتی، ملی و قومی، دینی و عقیدتی در زمره‌ی واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی جاری کشور به حساب می‌آیند و روز به روز بیشتر در هم تنیده می‌شوند.

## ۵. فشارهای بین‌المللی:

فشارهای بین‌المللی طی ماه‌های گذشته افزایش چشمگیری یافته است. دولت آمریکا که سیاست زورگویانه‌ی آن بر بنیان اعمال فشار به دولت‌های دیگر پایه‌گذاری شده، با خروج از برجام و بازگرداندن تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده، بر حدت و شدت بحران در مناسبات با جمهوری اسلامی افزوده است. جمهوری اسلامی با سیاست چند دهه‌ای مبتنی بر شعار "مرگ بر آمریکا" سرانجام پاسخ خود را در تندترین نوع واکنش از سوی هیئت حاکمه‌ی فعلی آن کشور گرفته‌است. سیاست خصمانه‌ی دولت کتونی ایالات متحده عمدتاً بر زمینه‌ی سیاست "دشمن محور" ولی فقیه و نهادهای زیر مجموعه‌ی آن عمل می‌کند.

جمهوری اسلامی هم چنین، با تبدیل سیاست اسرائیل‌ستیزی به بخشی از هویت خود، نه تنها به رشد و تقویت راستگراترین جریان‌ها در خود اسرائیل یاری رسانده و باعث پیچیده‌تر شدن معضلات منطقه به ضرر فلسطینی‌ها شده‌است، بلکه نزاع لفظی با دولت اسرائیل را بدل به موضوع کانونی خطرناکی در خاور میانه کرده است. ائتلاف ترامپ، نتانیاهو و بن سلمان در مقابله با جمهوری اسلامی، عملاً چون تهدید هولناکی علیه ایران و صلح و دوستی در منطقه عمل می‌کند.

دخالت‌های رژیم در مناطق بحرانی مثل سوریه، عراق و یمن، مناسبات با همسایگان را تحت تاثیر قرار داده است. سیاست فاجعه‌بار ایده‌ی "عمق استراتژیک" و با کارگزاری "سپاه قدس" در بخشی از منطقه که "هلال شیعی" نامیده شده‌است، کشور ما را عملاً در اکثر مناقشات منطقه درگیر نموده و وارد رقابت‌های زیانبار با کشورهای عرب منطقه کرده است. این مشی حکومت نه تنها بی‌آینده و محکوم به شکست است، بلکه پیامدهای سنگین نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی زیادی برای کشور ما در پی داشته و دارد. مبارزه برای عقب‌نشاندن جمهوری اسلامی از سیاست خارجی تنش‌زا و توسعه‌طلبانه، به مبارزه علیه یکی از پایه‌های اصلی دوام و موجودیت آن بدل شده‌است. این واقعیت

سیاسی را در ایران امروز، می توان در شعار مردمی "دشمن ما همین‌جاست" منعکس دید و در رشد قدرت تشخیص اولویت‌ها توسط مردم در مخالفت هم‌زمان آن با هر دو سوی منازعه ردگیری کرد.

تشدید تنش بین دولت‌آمریکا و جمهوری اسلامی درگیری نظامی و جنگ را به یک خطر واقعی تبدیل کرده است. جنگی که می تواند لطمات جبران ناپذیری را متوجه کشور ما نموده و صلح و امنیت در منطقه را از بین ببرد.

سیاست‌های دولت آمریکا و متحدان آن، خاورمیانه را به آشوب کشانده، به میدان خصومت‌های دائمی و جنگ‌های نیابتی تبدیل کرده و بستر مساعدی را برای رشد نیروهای افراطی نظیر داعش فراهم آورده است. سیاست‌های امپریالیستی و سلطه‌گرانه‌ی آمریکا استقرار صلح و ثبات در منطقه را به خطر انداخته‌است. برونرفت از جو تهدید و جنگ مستلزم گفتگو و مذاکره بین دولت‌های متخاصم، گسست از دایره‌ی خصومت و جنگ، توقف تولید سلاح هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی و نابودی آن‌ها، دمکراتیزاسیون و سکولاریزه کردن ساختارهای سیاسی و اجتماعی در منطقه، سمت‌گیری به سوی همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، به جای تبدیل شدن به انبار تسلیحات دول بزرگ است.

#### ۶. تحولات در اپوزیسیون جمهوری اسلامی:

بعد از خیزش ۱۳۹۶، بر میزان مخالفت مردم با جمهوری اسلامی افزوده شده و انگیزه برای گذار از آن در جامعه به طور بی‌سابقه‌ای بالاتر رفته‌است. دو عامل در تحرکات اپوزیسیون و روندهای درونی آن نقش دارند: (۱) به ژرفا رفتن باز هم بیشتر شکاف میان دولت و ملت و پیامدهای آن در صحنه‌ی سیاسی، که همان گسترش بی سابقه‌ی جنبش اعتراضی مردم است. (۲) بیرون آمدن دولت آمریکا از برجام و تحریم‌های فلج‌کننده‌ی اقتصادی و تشدید فشارهای سیاسی علیه جمهوری اسلامی و نیز شکل‌گیری ائتلاف آمریکا، عربستان و اسرائیل. اولی عاملی تعیین کننده و متأثر از فضای اعتراضی در جامعه است که نوعی از فشردگی میان صفوف اپوزیسیون را به‌بار آورده و بلندتر شدن صدای مخالفت و مبارزه‌ی پیگیر با جمهوری اسلامی را باعث شده است. نیروهای جمهوری‌خواه سکولار و دمکرات عمدتاً از این روند متأثرند و عمدتاً در جهت تشکیل ثقل جمهوری‌خواه گام بر می‌دارند. اما دیگری که در اصل از چگونگی رویکرد بخش‌های مختلف اپوزیسیون نسبت به حدت بحران میان جمهوری اسلامی با ایالات متحده آمریکا و متحدانش در منطقه ناشی می شود، بر هم‌پیوندی نیروهای اپوزیسیون تأثیر منفی گذاشته و بازار آلترناتیو سازی از خارج را رونق بیشتری داده‌است.

هم اکنون همکاری و ائتلاف‌های جدیدی در میان بخش‌های مختلف اپوزیسیون جمهوری‌خواه و دمکرات در حال شکل‌گیری است. این امر هر چند نشان‌دهنده‌ی آن است که امید به تغییر و تأثیرگذاری نیروهای اپوزیسیون در جامعه تقویت شده است، اما هنوز متضمن نقش مؤثر این نیروها در صحنه‌ی سیاسی کشور نیست و تلاش‌ها در این عرصه در آغاز راه است.

#### ۷. استراتژی سیاسی ما برای گذار از جمهوری اسلامی:

کشور ما برای انجام تحول سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مثبت و جدی نیازمند رهانی از جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی وارد روند فروپاشی شده، با نارضایتی گسترده‌ی مردم و جنبش اعتراضی در اعماق جامعه مواجه است و قادر نیست بر بحران‌های چندگانه و درهم‌تنیده‌ی کنونی غلبه کند. کشور ما آستان تغییرات است. عوامل متعددی در چگونگی این روند تأثیرگذار هستند. عوامل درونی و عوامل بیرونی. روندها در پائین، از جمله سطح و ابعاد اعتراضات، سازمانیابی و پیوند خوردن آن‌ها، وضعیت اپوزیسیون و روندها در بالا، همچون اراده و توان سرکوب حکومت، شکاف و اختلاف بین گروه‌های حاکم و توان مقاومت رژیم در برابر دولت ترامپ و یا عقب‌نشینی و سازش با آن.

ما برای گذار از جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سکولار و دمکرات با اتکاء به جنبش‌های مدنی و مبارزات دمکراتیک مردم ایران مبارزه می‌کنیم. روش راهبردی ما برای گذار، بر مبارزات دمکراتیک مردم،

جنبش‌های اجتماعی، نهادهای مدنی، استواری جنبش زنان کشورمان علیه تبعیض و نابرابری، جنبش‌های دموکراتیک ملی و قومی و بسیج پایگاه اجتماعی چپ در میان کارگران، زحمتکشان و مزد و حقوق‌بگیران و فرهنگ‌سازان و دانشگاهیان جامعه استوار است. ما به سازمان‌یابی مستقل مردم باور داریم. همکاری نیروهای سیاسی آزادی‌خواه می‌تواند با تغییر توازن قوای کنونی، گذار به یک جامعه‌ی آزاد و عادلانه را هموار سازد. گذر از این نظام و استقرار دموکراسی تنها از طریق مبارزه‌ی ملی و فراگیر و بسیج اجتماعی بخش‌های مختلف مردم ممکن است. ما بر پیوند اعتراضات گروه‌های مختلف اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی تبعیض‌ستیز زیر شعار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی تاکید داریم. هدف ما حمایت از مبارزات این مجموعه و تقویت همبستگی بین آنها است.

راهبرد ما برای گذر از جمهوری اسلامی، متأثر از نوع تحولات برنامه‌ای در فردای گذار است. از این‌رو معطوف به شکل دادن به ثقل جمهوریخواهی سکولار و دموکرات در سپهر سیاسی کشور از یک‌سو، تلاش برای همکاری و تشکیل بلوک چپ برای سازماندهی مبارزات سیاسی و طبقاتی کارگران و زحمتکشان از سوی دیگر است. انکاء اصلی ما به مبارزات کارگران و دیگر مزد و حقوق‌بگیران است.

در گذار از جمهوری اسلامی، سمت اصلی مبارزه‌ی ما علیه ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه است. در عین حال به باور ما مبارزات مردم برای عقب‌نشاندن حکومت در هر زمینه و به هر اندازه به سود روندهای دموکراتیک و گامی به جلو در مبارزه علیه استبداد دین‌سالار است.

فعالیت ما باید عمدتاً بر توانمندسازی جنبش طبقه کارگر، معلمان، دیگر مزد و حقوق‌بگیران و دانشجویان به عنوان نیروی محرکه‌ی اصلی در اعتراضات مدنی و نیز جذب طبقه‌ی متوسط شهری متمرکز گردد و در همان حال، بر یافتن راه‌های هم‌پیوندی آنها با اقدامات افشار دیگر توجه نماید. دعوت به ایجاد کانون‌های پوشش‌دهنده‌ی همچون کمیته‌های همبستگی ملی با اعتراضات، کانون‌های دفاع از زندانیان سیاسی، به‌منظور گره‌زدن شاخه‌های مختلف جنبش اعتراضی به‌همدیگر، از راهکارهای موثر در جهت توانمندسازی اعتراضات مردم است.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) در مسیر گذار از جمهوری اسلامی بر مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز و بسیج فراگیر جنبش‌های اجتماعی تاکید دارد. از اعتصابات و اعتراضات کارگران، زحمتکشان، مبارزات مدنی زنان، معلمان، دانشگاهیان، نویسندگان، هنرمندان، پرستاران و ... برای تامین مطالبات، حقوق و آزادی‌های مدنی دفاع می‌کند. تشکل، تجمع، اعتصاب و آزادی بیان را حق همه‌ی گروه‌های اجتماعی و مدنی می‌داند. ما طرفدار مبارزه‌ی مسالمت‌آمیزیم و از مبارزات مدنی مردم در هر حال حمایت می‌کنیم.

## **۸. شعار راهبردی ما:**

جمهوری اسلامی نظامی است مستبد، سرکوبگر، ضد حقوق بشر و دموکراسی، حافظ نظام سرمایه‌داری لجام‌گسیخته و مناسبات اجتماعی عقب‌مانده‌ای است که در اساس با تکیه به رانت نفتی، انکا به ارگان‌های امنیتی، نظامی و تبلیغی و پایه‌ی اجتماعی محدود، به سلطه سیاسی خود تداوم می‌بخشد. جمهوری اسلامی دولت ایدئولوژیک است و ساختار آن برپایه تبعیض، تفریق دین و دولت و حاکمیت روحانیت شیعه‌پی‌ریزی شده و در آن ولایت فقیه هسته‌ی اصلی ساختار قدرت است. ساختار سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی مغایر و متضاد با دموکراسی است. جمهوری اسلامی دارای خصلت دولت رانتیر و حامی‌پرور است و در اساس قدرت سیاسی است که ثروت، مالکیت و امتیازات طبقاتی را می‌سازد. جمهوری اسلامی مانع اصلی اعمال اراده‌ی آزاد مردم، حق انتخاب آنان برای تعیین سرنوشت خویش و سد راه پیشرفت و تحول دموکراتیک و تامین آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و استقرار دموکراسی در کشور است.

**شعار راهبردی ما برای گذار از جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سکولار و دموکرات، تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی جدید است.**

## ۹. همکاری‌ها و ائتلاف‌های ما:

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بر ضرورت و اهمیت مبرم بودن همکاری و وحدت نیروهای چپ تأکید دارد؛ در جهت تشکیل بلوک چپ و مبارزه‌ی متحدانه برای آزادی، عدالت اجتماعی، دموکراسی و سوسیالیسم تلاش می‌کند؛ نزدیکی‌ها، همسویی‌ها و همگرایی‌ها در میان نیروهای چپ، اعم از منشکل و منفرد را گامی در جهت تقویت دفاع از منافع و مطالبات کارگران، سایر مزد و حقوق‌بگیران، تهیدستان و فرارویاندن آن‌ها به نیروی تأثیرگذار در تحولات سیاسی کشور می‌داند و آمادگی خود را برای فعالیت مشترک در جهت ایجاد بلوکی از نیروهای چپ که بتواند پیرواک رسای این نیروها در صحنه‌ی سیاسی کشور باشد، اعلام می‌کند.

ما شکل‌گیری همکاری و ائتلاف بین جریان‌های جمهوریخواه سکولار و دمکرات را ضروری می‌دانیم و معتقدیم که جمهوریخواهان ایران برای شکل‌دهی ثقل جمهوریخواهی در صحنه‌ی سیاسی کشور، باید وارد روند گفتگو و همکاری‌های گسترده‌تر شوند و ائتلافی فراگیر و پوشش‌دهنده از احزاب و فعالین سیاسی جمهوریخواه ایجاد کنند. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) همکاری و اتحاد نیروهای جمهوریخواه سکولار و دمکرات را، گامی در جهت گذار به دموکراسی و استقرار جمهوری سکولار و دمکرات در ایران می‌داند. ما آمادگی خود را برای گفت و گو و همکاری با همه‌ی نیروها، در راستای ایجاد نقلی از نیروهای جمهوریخواه سکولار و دمکرات اعلام می‌کنیم. در عین حال، از گفتگو و دیالوگ با دیگر نیروهای اپوزیسیون استقبال می‌کنیم.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) مخالف هر نوع حکومت استبدادی، سلطنتی، موروثی و اپیدئولوژیک در ایران است و برای استقرار جمهوری سکولار و دمکرات در ایران و با تکیه بر نیرو و توان خود مردم ایران مبارزه می‌کند. ما مخالف آلترناتیوسازی و دخالت دولت‌های خارجی و اتکاء اپوزیسیون به قدرت‌های بزرگ و دولت‌های خارجی برای تغییرات سیاسی در ایران هستیم.

## ۱۰- تغییرات در صفوف اصلاح طلبان:

یکی از تغییرات در میان اصلاح طلبان، پیوستن بخشی از آن‌ها به صفوف باورمندان به مشی گذر از جمهوری اسلامی است. این بخش گرچه هنوز فقط اقلیتی از این جریان را در بر می‌گیرد، اما رو به رشد است و هم‌سو با پایگاه اجتماعی رو به ریزش و ناامید از اصلاح این نظام عمل می‌کند. این در حالی است که اکثریت اصلاح طلبان سیاست خود را همچنان با قدرت مستقر تنظیم می‌نمایند. این طیف یا دل در گرو قدرت دارند و یا در تردید میان ولایت و مردم در حال نوسان‌اند. ادامه‌ی امید درباره‌ی آزادی انتخابات در زیر چتر ولایت فقیه و هراس‌شان از "خيابان" و خیزش‌های اجتماعی، معرف جایگاه آنان در مبارزه‌ی جامعه با حکومت است. تقویت گرایش دموکراسی‌خواه و تضعیف گرایشی که دل در گرو قدرت دارد، به سود جنبش دموکراسی‌خواه کشور است.

\*\*\*\*\*

## راهکارهای سیاسی ما:

۱. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) از مبارزات کارگران برای تامین مطالبات خود، تشکیل سندیکاها، مستقل و علیه سیاست‌های نئولیبرالی دولت که قوانین حمایتی، دست‌آوردهای جنبش کارگری و حقوق سندیکایی کارگران را آماج تاخت و تاز قرار داده، حمایت می‌کند. ما برای قانون کار جدید و مترقی منطبق بر نیازهای کارگران، برای تامین دستمزد مکفی و متناسب با هزینه‌های زندگی و پرداخت منظم و به موقع آن، ایجاد اشتغال، بیمه‌ی بیکاری، به رسمیت شناختن حق تشکل و اعتصاب، آزادی فعالان سندیکایی زندانی، لغو قراردادهای موقت کار در مشاغلی که ماهیت مستمر دارند، توقف و لغو خصوصی سازی واحدهای کلان تولیدی و خدماتی، ممنوعیت کار کودکان، رفع تبعیض جنسیتی مبارزه می‌کنیم و مخالف

تغییر قوانین حمایتی کار و تامین اجتماعی به زبان کارگران هستیم. کارگران باید تحت پوشش قانون کار و تامین اجتماعی قرار گیرند. مدیریت امور تامین اجتماعی باید به شورایی مرکب از نمایندگان تشکلهای مستقل کارگری و نهادهای نظارتی به انتخاب خود آنها واگذار شود. ما از مطالبات و مبارزات معلمان، بازنشستگان و دیگر مزد و حقوق بگیران حمایت می‌کنیم.

۲. نقض حقوق بشر جزئی از ساختار متکی بر تبعیض جمهوری اسلامی است. هم اکنون تعداد زیادی از کشتگران مدنی، فعالان جنبش‌های اجتماعی، زنان، معلمان، کارگران، نویسندگان، روزنامه نگاران، وبلاگ نویس، دگر اندیشان، وکلای مدافع حقوق بشر، فعالان محیط زیست، باورمندان به ادیان و مذاهب دیگر، در زندان‌های جمهوری اسلامی شکنجه شده و به حبس‌های طولی مدت و اعدام محکوم می‌شوند. این احکام حربه‌ی حکومت استبدادی برای ارباب جامعه‌ی به‌پا خاسته‌ی ایران است. سیاستی که هم چنان ادامه دارد. اگرچه از میزان اعدام‌ها در سال گذشته کاسته شده است، اما با این وجود جمهوری اسلامی هنوز یکی از رکورد داران اعدام در سطح جهانی است. ما مخالف صدور حکم اعدام هستیم و بر ضرورت تداوم و گسترش اتحاد عمل علیه اعدام‌ها و توقف کشتارها پای می‌فشاریم. ما با اعلام همبستگی با زندانیان سیاسی کشور و همدردی با خانواده‌های آنان، صدور احکام سنگین برای فعالان سیاسی و مدنی را محکوم می‌کنیم و بر مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی تاکید داریم. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) با استناد به و تایید بر اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و تمامی الحاقات آن تاکید دارد و این سند تاریخی را به‌عنوان مبنای مسلم حقوق انسانی مورد قبول همه‌ی ملل جهان پاس داشته و مبنای آن را در راهبردهای سیاسی خود به‌کار می‌برد و نقض گسترده‌ی حقوق دگراندیشان، دگرباشان، اقلیت‌های مذهبی (سنی‌ها، زرتشتی‌ها، کلیمی‌ها، بهائی‌ها و دراویش) و تبعیض علیه افغانستانی‌های ساکن ایران و دیگر شهروندانی که تبار ایرانی ندارند را، محکوم می‌کند.

۳. آمارها نشان می‌دهند که در کشور ما آسیب‌های اجتماعی انباشته شده‌اند و با فراروتیدن به فاجعه‌ای علیه همبستگی‌های اجتماعی، ساختارها و ارزش‌های آن را متزلزل می‌سازد، ناهنجاری‌ها را گسترش می‌دهد، جرائم را به طور فزاینده‌ای بالا می‌برد فضای جامعه را آلوده می‌سازد، به نیروی سازنده کشور لطمه می‌زند و جامعه را به سوی فروپاشی سوق می‌دهد. نمود بارز این انباشت را در ۱۵ میلیون پرونده قضائی، وجود یک میلیون و ۵۰۰ هزار معتاد، ورود سالانه بیش از نیم میلیون نفر به زندان، ۱۲ میلیون حاشیه‌نشین، دو میلیون و نیم زن سرپرست خانوار بدون برخورداری از حمایت‌های لازم، وجود بیش از سه و نیم میلیون بیکار، فقر گسترده، کارتن‌خوابی، کودک‌آزاری، روسپیگری، بیماری‌هایی مانند ایدز، خودکشی، افسردگی و کودکان معتاد می‌توان دید. در رابطه با آسیب‌های اجتماعی مقدم بر هر اقدامی، ابتدا باید پذیرفت که با زور نمی‌توان امر پیشگیری و درمان آسیب‌های اجتماعی را پیش برد. هنجاری که در جمهوری اسلامی رایج است. به نظر ما بدون مشارکت مردم، سازمان‌های مردم‌نهاد، به کارگیری دانش اجتماعی روانشناسی و جامعه‌شناسی و بدون بهره‌گیری از کارهای پژوهشی جامعه‌شناسانه نمی‌توان پشتوانه‌ی لازم برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی به منظور درمان آن‌ها فراهم آورد.

۴. جنبش زنان پایدارترین جنبش اجتماعی و بسترساز جنبش دموکراتیک علیه جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی مظهر تبعیض عریان علیه زنان است. مبارزه‌ی زنان کشور ما علیه تبعیض و برچیدن حجاب اجباری تاریخ چهل ساله دارد. حضور «دختران خیابان انقلاب» علیه حجاب اجباری جلوه‌ای از ابتکار عمل زنان در مبارزه علیه تبعیض است. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) از تأمین برابری حقوق زنان با مردان



دفاع می‌کند و از مبارزه‌ی زنان علیه فرهنگ مردسالاری، حجاب اجباری، رفع کلیه‌ی اشکال تبعیض جنسیتی و برابری در همه‌ی زمینه‌ها از جمله ارث، حق حضانت، طلاق، حق مسافرت پشتیبانی می‌کند.

۵. معلمان کشور ما وظیفه‌ی خطیر آموزش فرزندان مردم و آینده‌سازان جامعه را بر عهده دارند. اما آن‌ها با حقوقی نازل در شرایط دشواری زندگی می‌کنند، برای افزایش حقوق، بیمه‌ی کارآمد، همسان سازی حقوق‌ها، حق تشکل، آزادی فعالان صنفی، توقف خصوصی سازی و پولی کردن آموزش و بهبود شرایط کاری شان تلاش می‌کنند. جمهوری اسلامی اعتراضات معلمان را سرکوب و فعالان تشکل‌های صنفی را به زندان می‌اندازد، از کار اخراج و تبعید می‌کند و همواره در پی اعمال کنترل امنیتی و ایدئولوژیک بر نظام آموزشی کشور است. ما برای آزادی معلمان زندانی، به رسمیت شناختن حق تشکل، افزایش حقوق، توقف خصوصی سازی و پولی کردن آموزش، رسیدگی به سایر مطالبات معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته و مشارکت‌دادن آن‌ها در اداره‌ی امور آموزشی و برنامه‌ریزی در امر آموزش مبارزه می‌کنیم.

۶. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) از آزادی فعالیت نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران، فیلمسازان، که همواره مورد تعقیب و آزار دستگاه‌های تفتیش عقاید و سرکوب حکومتی قرار دارند، حمایت می‌کند و برای لغو سانسور و منع پیگرد نویسندگان، روزنامه نگاران فیلمسازان و فرهنگ‌سازان مبارزه می‌کند. ما از ایجاد تشکل‌های صنفی هنرمندان و برخورداری آن‌ها از بیمه‌های درمانی و تامین اجتماعی حمایت می‌کنیم.

۷. دانشگاه و جنبش دانشجویی خار چشم جمهوری اسلامی است. رژیم در طول چهار دهه‌ی گذشته همواره از تمام ابزارها برای خاموش کردن صدای دانشجو و اعمال کنترل بر دانشگاه بهره گرفته‌است. در دانشگاه‌های کشور هم چنان فضای پادگانی حاکم است، نیروهای امنیتی به طور قابل توجهی حضور دارند و احضار دانشجویان برای بازجویی به کار روزمره‌ی نهادهای حراست تبدیل شده است. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بر این باور است که استقلال دانشگاه‌ها و آزادی فعالیت‌های صنفی و سیاسی برای استادان و دانشجویان باید تامین گردد. هیچ دانشجویی نباید به دلیل عقیده، مذهب و یا فعالیت صنفی و سیاسی از تحصیل محروم و اخراج شود. ما از ابراز اذعان‌های عقاید در محیط‌های دانشگاه بدون محدودیت‌های امنیتی حمایت می‌کنیم.

۸. علیرغم سرکوب گسترده‌ی نیروهای چپ در دهه ۶۰، ما شاهد برآمد گرایش چپ در دهه‌های بعد در دانشگاه‌های کشور و در بین کارگران صنعتی و نیز فعالیت در حوزه‌های مختلف از جمله در زمینه‌ی مسائل نظری، ترجمه‌ی آثار کلاسیک چپ و اندیشه‌پردازان چپ نو هستیم. رژیم از برآمد چپ احساس خطر کرده و در خیزش سال ۱۳۹۶ ده‌ها تن از دانشجویان چپ را دستگیر و به زندان انداخت. علی‌خامنه‌ای در یکی از سخنرانی‌هایش، نگرانی خود را از فعال شدن جریان مارکسیستی چپ در دانشگاه‌های کشور اعلام نمود. سال‌هاست که برخی نشریات رسماً به ستیز با چپ برخاسته‌اند و به هر بهانه‌ای به تاریخ، اندیشه و موجودیت چپ می‌تازند. ما اقدامات سرکوب‌گرانه‌ی رژیم را محکوم می‌کنیم و تلاش‌های فکری و عملی کنشگران چپ در اشاعه ارزش‌ها و آرمان‌های چپ و مقابله با چپ‌ستیزی نشریات راستگرا را پاس داشته و از آن‌ها پشتیبانی می‌کنیم.

۹. فساد و رانت خواری در رژیم جمهوری اسلامی ساختاری است. امروز مبارزه با فساد حکومتی با مبارزه علیه استبداد پیوند خورده است. مبارزه علیه رانت خواری و فساد نیازمند شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، رسانه‌های آزاد و فراهم آوردن امکان نظارت رسانه‌ها و اتحادیه‌ها، مجامع صنفی و سازمان‌های غیردولتی بر فعالیت‌های اقتصادی حکومت و مسئولان آن است. اما استبداد حاکم همه این منافذ را بسته است.

۱۰. کشور ما با یک بحران بزرگ زیست محیطی روبروست. در سال‌های گذشته فعالان مدنی با درک ابعاد این بحران برای حفظ محیط‌زیست، سازمان‌های متعدد مردم‌نهاد را پی‌ریختند و طرح‌های ضرور را تهیه و اقداماتی را هم در این رابطه سازمان دادند. اما جمهوری اسلامی فعالیت‌های آنان را برناتفت و ارگان‌های امنیتی رژیم عده‌ای از فعالان محیط‌زیست را با اتهام‌های جاسوسی بازداشت و تحت فشارهای شدید به اعترافات دروغ وادار کردند و یا با حربه "خودکشی" آنان را سربره‌نیست کردند. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) از آزادی فوری فعالان محیط‌زیست، آزادی فعالیت نهادهای مدافع محیط‌زیست، تدوین برنامه و مقررات لازم و انجام اقدامات موثر برای جلوگیری از آلودگی هوا، نابودی جنگل‌ها و مراتع، خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها دفاع می‌کند و اعمالی را که به تخریب محیط‌زیست منجر شود، محکوم می‌کند و بر اجباری کردن استفاده‌ی بهینه از انرژی و کاهش پخش مواد آلودگی‌زا، بر پایه‌ی استانداردهای زیست محیطی و لزوم برنامه‌ریزی برای ان‌تاکید دارد. ما خواهان رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی در باره محیط‌زیست و خطر گرم شدن زمین هستیم و از هر اقدامی که در سطح بین‌المللی در جهت حفظ محیط‌زیست، حمایت می‌کنیم.

۱۱. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بر نامین حقوق ملی و قومی و برابرحقوقی شهروندان فارغ از تفاوت‌های ملی و قومی، زبانی، مذهبی و شیوه‌های زندگی فردی و بر عدم تمرکز و ضرورت اداره‌ی امور هر منطقه به دست ساکنان آن و آموزش به زبان مادری تأکید دارد. ما سیاست تبعیض‌آمیز و نفاق‌افکنانه در بین مردم ایران و دیدگاه‌های نژادپرستانه را محکوم می‌دانیم.

۱۲. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بر خروج نیروهای نظامی جمهوری اسلامی از سوریه، خاتمه دادن به دخالت نظامی در مناقشات منطقه‌ای در عراق، یمن... و تشکیل نیروهای شبه نظامی در کشورهای منطقه، کنار گذاشتن سیاست استقرار "عمق استراتژیک" مبتنی بر شیعه‌گری در بیرون از مرزهای ایران و اتخاذ سیاست تنش‌زدانی در مناسبات ایران با تمام کشورها تأکید دارد. ما هم چنین، از خروج نیروهای نظامی دیگر کشورها از سوریه زیر نظر سازمان ملل و برگزاری انتخابات آزاد برای تعیین سرنوشت این کشور توسط شهروندان آن پشتیبانی می‌کنیم. ما با تأکید بر نقش مخرب اقدامات عربستان و متحدان آن در تشدید جنگ یمن، معتقدیم جنگ و کشتار در یمن باید متوقف شود.

۱۳. ما مخالف اسرائیل ستیزی جمهوری اسلامی هستیم. وجود اسرائیل در خاورمیانه غیر قابل انکار است. سیاستی که این واقعیت را انکار کند، مخالف منافع ساکنان خاورمیانه، از جمله فلسطینیان است. ما ادامه‌ی اشغال سرزمین‌های فلسطین را محکوم و سیاست‌های اسرائیل را مخالف صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌دانیم. اسرائیل باید به مرزهای به رسمیت شناخته شده‌ی ۱۹۴۷ بازگردد. ما رفتار اسرائیل نسبت به فلسطینیان در مناطق تحت اشغال را تبعیض‌آمیز می‌دانیم. از راه حل دو دولت برای حل مساله‌ی فلسطین و نامین صلح عادلانه در منطقه پشتیبانی می‌کنیم. نقض قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد مناطق اشغالی، الحاق بخش‌های دیگری از سرزمین‌های فلسطین و نیز بلندی‌های جولان به اسرائیل را غیر قابل قبول و رسمیت دادن دولت آمریکا به توسعه‌طلبی‌های دولت اسرائیل را محکوم می‌دانیم. هر نوع تغییر و تحولی در این موارد باید در چهار چوب مقررات و حقوق بین‌الملل انجام شود. ما خواهان برجیده شدن سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه هستیم.

۱۴. تنش بین دو دولت آمریکا و جمهوری اسلامی به نقطه‌ی پر مخاطره‌ای رسیده است، هر دو طرف در مسیری خطرناک افتاده‌اند. درگیری نظامی بین دو دولت نتایج ویرانگری برای کشور ما و منطقه به بار می‌آورد. راه جلوگیری از درگیری احتمالی نظامی، متوقف نمودن تهدیدها علیه همدیگر و آغاز مذاکره‌ی بدون پیش‌شرط است. خارج شدن جمهوری اسلامی از برجام، می‌تواند اتحادیه‌ی اروپا و دولت ترامپ را علیه جمهوری اسلامی متحد کند و کشور را درگیر جنگی کند که قربانی اصلی آن مردم ایران خواهند بود. ما خارج شدن دولت ترامپ از برجام را محکوم می‌کنیم و بر سیاست تنش‌زدانی، انجام مذاکره برای پایان دادن به تحریم‌های فلج‌کننده‌ی اقتصادی و حل اختلافات بر سر میز مذاکره تأکید داریم و معتقدیم که ادامه‌ی وضعیت موجود خطر بروز درگیری نظامی را افزایش می‌دهد.

ما خواهان تنش زدائی و خروج نیروهای نظامی از خلیج فارس و غیر نظامی کردن آن هستیم.

**اسناد حزب کنگره اول**